

## مشارکت در گردشگری: تحلیل مقالات منتشر شده در نشریات علمی

نسرین کاظمی<sup>۱</sup>، استادیار دانشکده گردشگری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پانته آ روغنگیرها، دانشجوی دکتری گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ندا زرندیان، استادیار گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۳

### چکیده

با توسعه صنعت گردشگری پایداری تبدیل به یکی از مهم‌ترین موضوعات این صنعت شده است. این درهم‌آمیختگی موجب شده تا رویکرد جدیدی از برنامه‌ریزی با عناوینی همچون مکتب مشارکتی، دموکراتیک، جامعه‌محور و... مطرح شود. همزمان با این تأکید، مطالعات گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است اما خلأ مطالعه‌ای مروری مشهود است. در راستای این هدف، از رویکرد گستره‌پژوهی، روش جستجو و چک‌لیست پریزما در مرور سیستماتیک و نیز تحلیل کیفی محتوای مقالات بهره گرفته شد. ۵۸ مقاله یافت شد که در شش زمینه مطالعاتی شامل جغرافیا، گردشگری، علوم محیطی، جامعه‌شناسی، مدیریت و علوم ورزشی دسته‌بندی شدند. بحث مشارکت در گردشگری با علوم محیطی آغاز، در ادامه با علوم جغرافیایی گسترش و طی سال‌های اخیر با رشد پژوهش‌های گردشگری ورزشی وارد مطالعات علوم ورزشی شده است. نکته مهم تسلط دیدگاه‌های جغرافیایی بر پیشینه تحقیق است. این دیدگاه‌ها، آمیخته با مباحث توسعه پایدار و محوریت برنامه‌ریزی مشارکتی برای تحقق اهداف پایداری است. نتایج حاکی از تأکید مطالعات بر سه گروه ذی‌نفعان یعنی جوامع محلی، گردشگران و دولت، مشارکت نوآورانه و هم‌آفرینی است؛ بدین ترتیب مشارکت در الگوی تجاری گردشگری ادغام شده تا سبب ارتقای مسئولیت‌پذیری شود. از سوی، با اهمیت یافتن جریان‌های اطلاعاتی به دلیل توسعه فناوری‌ها و شبکه‌های اجتماعی، استفاده از آن‌ها برای رفع یکی از مهم‌ترین موانع مشارکت یعنی سطح پایین آگاهی اجتناب‌ناپذیر است. یکی از بزرگترین چالش‌های برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران، تسلط الگوی بالاب‌پایین و نظام متمرکز برنامه‌ریزی است.

**کلیدواژه‌ها:** مشارکت، گردشگری اجتماع‌محور، توسعه پایدار، ذی‌نفعان، الگوی متمرکز

## مقدمه

همزمان با تأکید بر توسعه گردشگری، مفهوم پایداری نیز مورد توجه جامعه علمی و اجرایی قرار گرفته است. تا جایی که پایداری تبدیل به یکی از مهم‌ترین موضوعات صنعت گردشگری شده است. این درهم‌آمیختگی پایداری و گردشگری موجب شده است تا رویکرد جدیدی از برنامه‌ریزی شکل گیرد؛ رویکردی که در آن نگاه از «پایین‌به‌بالا» جایگزین نگاه «بالا‌به‌پایین» در توسعه گردشگری شود. از این رویکرد با عناوینی همچون مکتب مشارکتی، عدالت‌محور، برنامه‌ریزی پایدار، دموکراتیک، اجتماع‌محور و ... نیز یاد می‌شود. نگرشی که در آن تمامی تلاش‌های برنامه‌ریزی توسعه برای انسان و با محوریت بهتر زندگی کردن آن‌ها شکل می‌گیرند (گان و گت‌ور، ۲۰۰۲؛ ایمانی‌خوشخو و داغستانی، ۱۳۹۸).

آنگونه که ضیایی و تراب‌احمدی (۱۳۹۲) اشاره می‌کنند در این رویکرد بیشتر از آن‌که توجه به «توسعه جامعه» باشد، تأکید بر «توسعه در جامعه» است. چنین رویکردی که در آن مشارکت ذی‌نفعان اولویت دارد، مزایای متعددی همچون توسعه اثربخش گردشگری، پذیرش برنامه‌ها توسط مردم محلی و تقلیل تنش‌ها و تعارضات، مشروعیت یافتن پروژه‌ها، توانمندسازی جامعه، سرعت‌بخشی به اجرای برنامه‌ها، افزایش حس مسئولیت‌پذیری ذی‌نفعان، استفاده از تجارب و افکار طرفین دخیل، دسترسی به اطلاعات دقیق‌تر، اعمال کنترل چند جانبه در اجرا، تحرک و کارایی ذی‌نفعان و ... را به همراه دارد (شارپلی و تلفر، ۲۰۰۷). آثار مثبت رویکرد مشارکتی در توسعه گردشگری موجب شده است تا مطالعات متعددی در این زمینه انجام گیرد. در این میان، برخی از مطالعات به صورت خاص به برنامه‌ریزی، توسعه و مدیریت با رویکرد مشارکتی تأکید داشته‌اند (جمال و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴؛ وگت و همکاران، ۲۰۱۶؛ پترووا و هریتوو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶).

برخی دیگر موضوع مشارکت ذی‌نفعان گردشگری را به صورت یک کلان‌مسئله مورد توجه قرار داده‌اند (جمال و استرونزا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). در هر حال، مشارکت جامعه یکی از موضوعات مهم در گردشگری به شمار می‌رود. در این خصوص استفاده از واژه‌هایی نظیر مشارکت جامعه محلی، مداخله جامعه محلی،

1. Jamal, Borges & Figueiredo  
2. Petrovaand Hristov  
3. Tazim and Stronza

گردشگری اجتماع محور رایج می‌باشد (تانگ و تانه<sup>۱</sup>، ۲۰۲۳؛ میردهانی و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲). مشارکت گردشگر در مصرف محصولات گردشگری و تجربه آن نیز از موضوعاتی است که توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است (ایرانی و همکاران، ۱۳۹۷).

با تنوع کلیدواژه‌های مرتبط پیداست که مطالعات گسترده و متنوعی در زمینه مشارکت در گردشگری در داخل و خارج از کشور انجام شده است. اهمیت برنامه‌ریزی مشارکتی در ایران نیز با توجه به سال‌ها تجربه برنامه‌ریزی متمرکز و الگوی «بالا به پایین» مدت‌هاست که وارد عرصه سیاستی و اجرایی کشور شده است (کاظمی و همکاران، ۱۴۰۳). ایران در تلاش برای تدوین و اجرای مشارکتی سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها اقدام به اصلاح فرایندهای اداری و سازمانی نموده است. گسترش دولت محلی با تاسیس دهیاری‌ها، ایجاد شبکه‌ها، سیستم‌ها و خوشه‌های محلی، تلاش در ایجاد پیوندهای بین سکونتگاه‌های (بدری<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۱)، خصوصی‌سازی و کوچک‌سازی دولت، نمونه‌های از تلاش‌های دولت در تقلیل برنامه‌ریزی متمرکز بوده است. این امر سبب تأکید بر مفهوم مشارکت در زمینه‌های مختلف شده است و در رابطه با گردشگری به عنوان پدیده‌ای اجتماعی نیز شایان توجه است زیرا بسیاری از پیامدهای منفی گردشگری انبوه به طور ویژه آسیب‌ها و آلودگی‌های زیست‌محیطی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار گردشگری نیازمند مشارکت است. اما خلأ یک پژوهش مروری در داخل کشور مشهود است. این موضوع در یک ترتیب قاعده‌مند می‌تواند به شناخت موضوعات پرتکرار، خلأها و موضوعات نوظهور در عرصه مشارکت گردشگری کمک نماید؛ هدفی که در خلال پژوهش حاضر در پی آن هستیم. بدین‌منظور، در ابتدا مقالات با توجه به حیطه‌های پژوهشی طبقه‌بندی شده تا بتوان دریافت زمینه‌های مختلف علمی چه نگاهی به مفهوم مشارکت در گردشگری داشته‌اند. سپس، نکاتی که در ادبیات تحقیق در داخل کشور مورد تأکید قرار گرفته‌اند استخراج شده تا پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آتی و الزامات سیاستی و اجرایی ارائه نمود؛ این پیشنهادها با هدف پرداختن به ابعاد و مفاهیم کمتر توجه شده در ادبیات مشارکت در گردشگری و بهبود یا تقویت برنامه‌ریزی مشارکتی در سیاست‌ها، طرح‌ها و اجرای آن‌ها می‌باشند.

---

1. Thang & Thanh  
2. Mierdhani, Dewi & Mularsari  
3. Badri

## ادبیات نظری

تکنیک‌های مشارکتی در پی شامل نمودن جامعه در مدیریت منافع گردشگری با هدف حفاظت از منابع و ایجاد ارزش و اثرات مثبت، توسعه اجتماعی و اقتصادی، توزیع عادلانه‌تر هزینه‌ها و منافع گردشگری، توانمندسازی و تقویت مسئولیت‌پذیری هستند (جوشی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۱). با این حال، موانع و معایب متعددی به رویکرد مشارکتی در برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری نسبت داده شده است که تردیدها و انتقاداتی را در مورد مفید بودن و قابلیت کاربرد آن ایجاد کرده است. به ویژه در کشورهای در حال توسعه که فقدان سنت دموکراتیک کاربرد تکنیک‌های مشارکتی را پیچیده‌تر می‌سازد (شانی و پیزم، ۲۰۱۱). این پیچیدگی باعث شده است، محققان توسعه گردشگری مشارکتی را از محلی به محل دیگر متفاوت بدانند. آن‌ها عقیده دارند که شکل واحدی از مشارکت نمی‌تواند نتایج مورد انتظار را به همراه آورد (کالا و باگری، ۲۰۱۸).<sup>۳</sup> در هر حال، مهم‌ترین چالش و موانع به ظرفیت محلی، نفوذ تصمیم‌گیران و ذی‌نفعان خارجی، ضعف در هماهنگی، بوروکراسی و ساختارهای محدودکننده، دسترسی محدود به اطلاعات اشاره دارند.

ادبیات تحقیق نشان می‌دهد جامعه محلی عمدتاً ضعف قابل توجهی از نظر مهارت، دانش و تجربه لازم برای مدیریت و توسعه فعالیت‌های گردشگری دارد. گاه ضعف در انسجام و همبستگی بین اعضای جامعه مانعی برای مشارکت فعال آنان است (امامی و همکاران، ۱۴۰۰). شواهد نشان می‌دهند در فرایند توسعه گردشگری اعضای جامعه به هنگام توزیع منافع یا مدیریت گردشگری دچار تنش و درگیری می‌شوند. تسلط، قدرت و نفوذ برخی گروه‌ها در صنعت گردشگری نیز کنترل جامعه محلی بر توسعه گردشگری را محدود می‌سازد (مارزوکوی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۲).

هماهنگی اندک بین ذی‌نفعان می‌تواند به دلیل تمرکز مدیریت عمومی، ضعف هماهنگی بین ادارات و اطلاع‌رسانی ضعیف به اعضای جامعه باشد. معمولاً در کشورهای در حال توسعه شاهد تمرکز مدیریت دولتی گردشگری هستیم. این مسأله با ایجاد بوروکراسی سبب تاخیر در تصمیم‌گیری‌ها و استقلال اندک

1. Joshi

2. Shani &amp; Pizam

3. Kala &amp; Bagri

4. Marzouki

جامعه می‌گردد (توسان و تیموتی،<sup>۱</sup> ۲۰۰۱). نگرش کارشناسان، عدم تخصص، کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده و کمبود منابع مالی نیز مشارکت را به چالش می‌کشند. در بیشتر موارد، پروژه‌های اجتماع‌محور توسط سازمان‌ها و نهادهای دولتی هدایت می‌شوند. آن‌ها عمدتاً نگاه بالا به پایین به افراد محلی داشته و پیشنهادات آن‌ها را نادیده می‌گیرند. چنین نگرش‌هایی مشارکت جامعه را محدود می‌سازد (ماستافه و آزمان،<sup>۲</sup> ۲۰۱۳). در چارچوب این تمرکز و هماهنگی اندک بین دولت و ذی‌نفعان به ویژه مردم محلی، اثربخشی رویکرد مشارکتی کاهش می‌یابد. علاوه بر این، برای مشارکت اعضای جامعه در توسعه گردشگری، باید اطلاعات لازم در اختیار آن‌ها قرار گیرد تا از نقش‌ها و انتظارات خود آگاه شوند.

### پیشینه تحقیق

با توجه به این‌که در مطالعه حاضر پژوهش‌های انجام گرفته در کشور بررسی شده‌اند در اینجا به پیشینه پژوهش بین‌المللی اشاره خواهد شد. پرابهاکاران<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۴) با مرور ویژگی‌های روش‌شناختی نظریه مشارکت جامعه و سنجش آن در ارتباط با گردشگری، ماهیت مشارکت جامعه را چندوجهی می‌دانند. بدین ترتیب، چارچوب سنجش و حکمرانی ابزاری ارزشمند است که امکان مدیریت کارآمدتر مشارکت جامعه در گردشگری را برای تصمیم‌گیران فراهم می‌سازد. مرزوکوی و هی<sup>۴</sup> (۲۰۱۳) ضمن پرداختن به انواع مختلف مشارکت و ویژگی‌های آن‌ها، پیشنهاد می‌کنند که برای برنامه‌ریزی گردشگری از مدل‌ها جدید و بهبودیافته برای مشارکت استفاده شود. طبق نتایج این مطالعه مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی گردشگری باعث تدوین برنامه‌های بهتر و افزایش رضایت مردم و پایداری آن‌ها به این برنامه‌ها می‌شود.

دراگونی<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۸) برای نخستین بار به صورت تجربی تصمیم‌گیری‌های مشارکتی و غیرمشارکتی را مقایسه کرده‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهند که اگرچه مشارکت مستقیم مردم در تصمیم‌گیری‌ها همراه با افزایش اختلاف‌نظرها است، اما به بهبود کیفیت تصمیمات نهایی و افزایش

---

1. Tosun & Timothy  
2. Mustapha & Azman  
3. Prabhakaran  
4. Marzuki & Hay  
5. Dragouni

رضایت کمک می‌کنند. عواملی مانند اعتماد به نهادهای مسئول و اعتبار آن‌ها، نقش مهمی در شکل‌گیری تصمیم‌های فردی و گروهی ایفا می‌کنند. کالا و باگري (۲۰۱۸)، مشارکت جامعه، به ویژه در مقاصد گردشگری نوظهور را برای توسعه گردشگری پایدار توجیه‌پذیر دانسته که با چالش‌های زیادی همراه است. یافته‌های این پژوهش چهار مانع اصلی مشارکت جامعه در گردشگری را عملی، اجتماعی- فرهنگی، ادراکی و نهادی معرفی می‌نماید. این مطالعه بر لزوم حمایت بیشتر از مشارکت جامعه، هماهنگی بین مقامات دولتی، آموزش افراد محلی و نیاز به طراحی استراتژی‌های ترغیب‌کننده مشارکت تأکید می‌کند.

واندرید و اونتال<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) با استفاده از مدل مشارکت شهروندی و نظریه ذی‌نفعان، به این نتیجه رسیده‌اند که مشارکت جوامع محلی در گردشگری بیشتر نمایشی بوده تا واقعی و منجر به توزیع نابرابر منافع شده است. موفقیت مشارکت جوامع محلی به عوامل متعددی از جمله قدرت و نفوذ افراد تصمیم‌گیرنده و وضعیت اقتصادی جامعه بستگی دارد. ایکابال<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی نقش کلیدی مشارکت در تحقق توسعه پایدار گردشگری پرداخته‌اند. براساس نتایج طی چهار دهه گذشته، مطالعات در این حوزه رشد داشته و مدل‌های مختلفی به کار گرفته شده‌اند. نتایج این پژوهش تأییدکننده مشارکت فعالانه جوامع محلی در تصمیم‌گیری و مدیریت منابع گردشگری به عنوان پیش‌نیاز توسعه پایدار گردشگری است.

گوتیرز<sup>۳</sup> (۲۰۲۳) مشارکت جامعه در گردشگری را رویکردی کلیدی برای توسعه پایدار و توانمندسازی جوامع می‌داند. موفقیت ابتکارات گردشگری به مشارکت فعالانه جوامع در تمام مراحل برنامه‌ریزی و اجرا بستگی دارد. با این حال، رابطه بین مشارکت و توانمندسازی بسیار پیچیده است. این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت و توانمندسازی در یک رابطه تعاملی قرار دارند و هر یک می‌تواند به تقویت دیگری کمک کند.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش گستره‌پژوهی یا مرور دامنه‌ای در پنج مرحله انجام شده است: شناسایی اهداف پژوهش، شناسایی پژوهش‌های مرتبط، انتخاب پژوهش‌ها، استخراج داده‌ها، جمع‌بندی، بحث و

1. Wondirad & Ewnetu

2. Iqbal

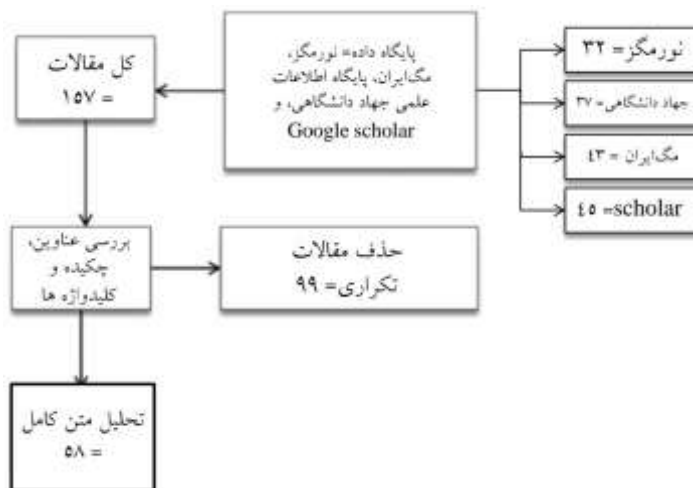
3. Gutierrez

گزارش نتایج (قنادی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۲). برای تعیین محدوده و دامنه مطالعه دو محور کلی مدنظر قرار گرفت: (۱) حوزه‌های علمی مورد مطالعه برای پیش‌بینی روند پژوهش‌های علمی و (۲) دیدگاه‌ها و رویکردها در زمینه مشارکت و گردشگری.

در مرحله دوم و سوم برای شناسایی پژوهش‌های مرتبط و انتخاب آن‌ها از روش مرور سیستماتیک برای جستجوی منابع استفاده شد. با توجه به تاثیرپذیری مشارکت از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به منظور ارائه نتایجی که برای ایران کاربردی باشند، جستجو در چهار پایگاه نمایه‌کننده مقالات شامل نورمگز، مگ‌ایران، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و گوگل اسکالر (فقط مقالات فارسی) انجام شد. بدین منظور از چک‌لیست پریزما<sup>۱</sup> استفاده شد. این چک‌لیست برای بهبود و توسعه مرور سیستماتیک و فراتحلیل با ارائه ۲۷ آیتم شامل عنوان، اهداف، روش، داده‌ها و ... به شفافیت فرایند انتخاب مقاله کمک می‌نماید. نمودار جریان پریزما شامل چهار مرحله است؛ (۱) شیوه پیدا کردن مقالات، (۲) غربالگری برای حذف مقالات تکراری، (۳) دستیابی به مقالات مرتبط با بررسی متن کامل با توجه به معیارهای تعیین شده و (۴) جمع‌بندی مقالات (شکل ۱). براساس مراحل اشاره شده، در ابتدا استراتژی جستجوی با انتخاب کلیدواژه‌ها مرتبط با موضوع پژوهش به صورت (مشارکت و گردشگری) یا (گردشگری اجتماع‌محور) تعریف شد. جستجوی مقالات در آذر ماه سال ۱۴۰۲ انجام گرفت؛ بنابراین شامل پژوهش‌های است که تا پایان آبان ماه ۱۴۰۲ منتشر شده‌اند. بنابراین، اگر مقاله‌ای پس از این تاریخ منتشر شده در مطالعه حاضر شامل نشده است.

مطابق با نتایج جستجو بازه زمانی شامل مقالات منتشر شده از سال ۱۳۸۱ (براساس نتایج قبل از این تاریخ مقاله‌ای در رابطه با موضوع مورد مطالعه منتشر نشده است) تا آبان ماه ۱۴۰۲ می‌باشد. همچنین، به منظور افزایش دقت کار، جستجوی مقالات توسط دو نفر در پایگاه‌های مورد اشاره انجام گرفت. برای شامل نمودن مقالات در مطالعه هیچ معیاری مبنی بر زمینه مطالعاتی، سال انتشار یا نشریه اعمال نشده است بلکه مقالات مرتبط با بحث مشارکت در گردشگری که در هر نشریه و بازه زمانی منتشر شده‌اند، جستجو و تحلیل شدند. برای استخراج داده‌ها، پس از جستجو و انتخاب مقالات، جدولی شامل عنوان، سال انتشار،

نشریه، مسأله تحقیق، اهداف اصلی و فرعی تحقیق، روش و منطقه مورد مطالعه، چارچوب نظری پژوهش، نتایج و پیشنهادات تدوین و داده‌ها براساس آن استخراج و طبقه‌بندی شدند. این مرحله برای افزایش اعتبار نتایج توسط دو محقق به صورت مجزا انجام گرفت.



شکل ۱. فرایند جستجو و انتخاب مقالات (منبع: نویسندگان)

در نهایت برای بحث و ارائه نتایج محتوای مقالات بررسی و تحلیل شدند. تحلیل محتوا روشی نظام‌مند است که با هدف شناسایی، تحلیل و تبیین معانی نهفته در داده‌های کیفی به کار می‌رود. رویکردهای تحلیل کیفی به ما امکان می‌دهند تا داده‌های کیفی حجیم را سازماندهی، خلاصه و بازسازی کرده و الگوها و معانی پنهان در آن‌ها را آشکار سازیم. در این پژوهش، با بهره‌گیری از نرم‌افزار اطلس تی<sup>۱</sup>، محتوای مقالات با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای هدفمند در پنج محور هدف، رویکرد، موانع، عوامل تاثیرگذار و منابع مشارکت در هر یک از زمینه‌های مطالعاتی استخراج و دسته‌بندی شدند. یک رویکرد تحلیل محتوای هدفمند کیفی دارای سه مرحله اصلی است: آماده‌سازی، سازماندهی و گزارش‌دهی. مرحله آماده‌سازی با انتخاب واحد تحلیل، تصمیم‌گیری در مورد آنچه باید تحلیل شود و انتخاب یک واحد معنادار آغاز



می‌شود. سپس، در فرآیند تحلیل، پژوهشگر تلاش می‌کند تا معنای داده‌ها را درک کند و «چه اتفاقی می‌افتد» را بیاموزد و احساس کلی را به دست آورد. گام بعدی در مرحله سازماندهی، توسعه ماتریس طبقه‌بندی و کدگذاری داده‌ها براساس دسته‌های مدل است.

### یافته‌ها

#### یافته‌های توصیفی

در مجموع ۵۸ مقاله یافت شد که مشارکت و گردشگری اجتماع‌محور در عناوین، کلیدواژه‌ها یا چکیده آن‌ها ذکر شده‌اند. نشریات در شش زمینه مطالعاتی شامل جغرافیا، گردشگری، علوم محیطی، جامعه‌شناسی، مدیریت و علوم ورزشی دسته‌بندی شدند که به ترتیب سهم آن‌ها ۲۶، ۱۹، ۵، ۴، ۲ و ۲ مقاله از مجموع مقالات منتشر شده است. هرچند با توجه به رویکرد جغرافیایی برخی از نشریات گردشگری همچون نشریه گردشگری شهری و فضای گردشگری، سهم دیدگاه جغرافیایی به مراتب بیشتر از این تعداد است (جدول ۱).

جدول ۱. گروه‌های مطالعاتی، سال، نشریه و تعداد مقالات منتشر شده

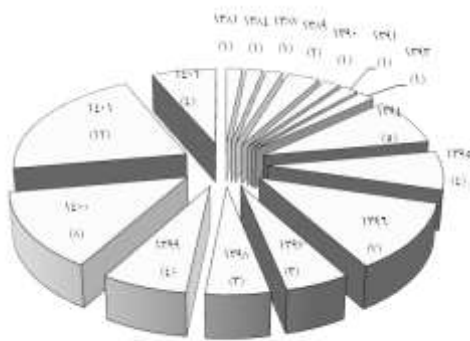
زمینه	نشریه	تعداد
علوم محیطی	محیط‌شناسی	۱
	انسان و محیط‌زیست	۱
	علوم محیطی	۱
	محیط‌زیست طبیعی	۱
	پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی	۱
گردشگری	گردشگری و توسعه	۴
	گردشگری شهری	۲
	برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری	۶
	مطالعات مدیریت گردشگری	۵
	فضای گردشگری	۲
جغرافیا	جغرافیا و برنامه‌ریزی	۱
	جغرافیا	۳
	پژوهش‌های جغرافیای انسانی	۲
	جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای	۱
	آمایش جغرافیای فضا	۲

چهارمینی: ۴۵٪  
 گردشگری: ۳۳٪  
 علوم ورزشی مدیریت: ۲۶٪  
 علوم محیطی: ۱۹٪  
 علوم محیطی: ۵٪  
 علوم محیطی: ۴٪  
 علوم محیطی: ۲٪

ادامه جدول ۱. گروه‌های مطالعاتی، سال، نشریه و تعداد مقالات منتشر شده

زمینه	نشریه	تعداد
	جغرافیا و روابط انسانی	۱
	نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی	۱
	جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی	۱
	جغرافیا و پایداری محیط	۱
	جغرافیا و برنامه‌ریزی	۲
	پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی	۱
	جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)	۱
	پژوهش‌های جغرافیای انسانی	۲
	پژوهش و برنامه‌ریزی شهری	۱
	برنامه‌ریزی توسعه کالبدی	۱
	روستا و توسعه	۱
	سبهر	۱
	اقتصاد فضا و توسعه روستایی	۱
	مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای	۱
	مطالعات ساختار و کارکرد شهری	۱
	زن در توسعه و سیاست	۱
	جامعه‌شناسی کاربردی	۱
	توسعه اجتماعی ایران	۱
	پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران	۱
	مدیریت	خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت
مدیریت بازرگانی		۱
علوم ورزشی	مدیریت ورزشی	۱
	بازاریابی ورزشی	۱



منبع: نویسندگان

براساس نتایج می‌توان دریافت که پیشینه پژوهش مشارکت در گردشگری با انتشار اولین مقاله در سال ۱۳۸۱ در مطالعات علوم محیطی آغاز و در ادامه با رشد پژوهش‌های جغرافیایی گسترش یافت. مشارکت در گردشگری ورزشی مفهومی نوپاست که با انتشار دو مقاله در سال‌های اخیر در علوم ورزشی جا یافته است. همچنین، بیشترین تعداد مقالات در سال ۱۴۰۱ با ۱۲ مقاله منتشر شده است.

از نظر منطقه مطالعاتی، پژوهش‌های علوم محیطی در انزلی، سرخس، خرم‌آباد و قم، مطالعات گردشگری در کرمانشاه، کردستان، ایلام، همدان، لرستان، اصفهان، شاهرود، ایران، تربت‌حیدریه، گیلان، تهران، کاشان و سرعین، مطالعات جغرافیایی در تبریز، دزفول منطقه حفاظت‌شده دز، گلستان، کرمانشاه، اردبیل، سرعین، تنکابن، مازندران، ایران، چابهار، گیلان، البرز، شیراز، کاشان، ساری، کهگیلویه و بویراحمد و اصفهان، مطالعات مدیریت در تهران و مطالعات علوم اجتماعی در کردستان، تهران و شیراز انجام گرفته که نشان از گستردگی مناطق مطالعاتی است. این نشان می‌دهد که به‌طور کلی می‌توان انتظار داشت شواهد مرتبط با مشارکت در گردشگری مبتنی بر گسترده وسیعی از کشور باشد.

در باب روش تحقیق تنوعی از روش‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعات پیمایشی مبتنی بر نمونه‌گیری و تکمیل پرسشنامه، تحلیل‌های آماری، انجام مصاحبه و استفاده از تحلیل مضمون برای مقوله‌بندی نتایج کیفی، مدلسازی معادلات ساختاری، تحلیل مسیر، مدل‌های تصمیم‌گیری شامل ماتریس سوات، تکنیک کوپراس، ANP، دیمتل و تحلیل سلسله‌مراتبی و در نهایت تکنیک تحلیل مکانی کریجینگ و لکه‌های داغ مشاهده می‌شود. در بین این روش‌ها، تحلیل آماری، معادلات ساختاری و تحلیل کیفی بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

### یافته‌های تحلیلی

در بخش تحلیلی ابتدا محتوای مقالات در هر یک از زمینه‌های مطالعاتی در پنج محور هدف، رویکرد، موانع، عوامل تاثیرگذار و منابع مشارکت دسته‌بندی شدند (جدول ۲). باید توجه داشت که عوامل تاثیرگذار می‌توانند همبستگی مثبت یا منفی با رویکرد مشارکتی در گردشگری داشته باشند. برای نمونه، هرچه میزان احساس تعلق و آگاهی ذی‌نفعان نسبت به گردشگری و مقصد گردشگری بیشتر باشد تمایل آن‌ها به مشارکت نیز بیشتر خواهد بود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵).

جدول ۲. دسته‌بندی کدهای محتوایی مقالات بررسی شده

منابع	عوامل تاثیرگذار	موانع	رویکرد	هدف	زمینه
جوامع و مردم محلی، تشکل‌ها و انجمن‌های جامعه، دولت و سازمان‌های دولتی، گردشگران	احساس تعلق، آگاهی، هنجارها، نگرش‌ها، معیشت، اشتغال، درآمد	عملکرد ضعیف مدیران و مسئولان، تعارض منافع، بی‌اعتمادی، هماهنگی پایین	کنار گذاشتن رویکرد سنتی و کلاسیک، مردود شمردن نگاه ابزاری به مشارکت مردم	احیای منابع طبیعی، حفاظت از منابع طبیعی، بسیج مردم برای حفاظت و احیا از منابع طبیعی، توسعه پایدار (اقتصاد، اجتماع، محیط‌زیست)، برنامه‌ریزی و مدیریت مشارکتی منابع طبیعی، یکپارچگی، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی	علوم محیطی
کسب‌وکارها، گردشگران، مقصد، اجتماع محلی	متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس و ...)، مشوق‌های مالی و غیرمالی، کشف نیازها و تقاضاها، آگاهی، نگرش‌ها، اعتماد	نادیده گرفتن و کنار گذاشتن ذی‌نفعان، توزیع نابرابر منافع	توسعه‌ای، نظام‌مند، ترغیبی، تسهیلی، نوآورانه، تعاملی و ارتباطی، کنار گذاشتن روش‌های سنتی	توسعه بازار، ارزش‌آفرینی اقتصادی، مسئولیت‌پذیری، سفارشی‌سازی محصولات، توسعه پایدار، مزیت رقابتی، کیفیت، توانمندسازی، توزیع و بازتوزیع، سرمایه‌اجتماعی، خلاقیت، توسعه اجتماع محلی	گردشگری
جامعه محلی، دولت و سازمان‌های دولتی، توان محیطی، مقصد، گردشگران	پیامدها و نایب مثبت گردشگری، توزیع برابر منافع، شناسایی ظرفیت‌محلی، آگاهی، تعلق مکانی	عدم پذیرش و مقاومت جامعه محلی، موانع قانونی و اداری، کمبود سرمایه و منابع مالی، نادیده گرفتن و کنار گذاشتن مردم، مشارکت غیرفعال، برنامه‌ریزی متمرکز	مکانی-فضایی، ابزاری، توسعه‌ای، تعاملی، رویکرد پایین‌به‌بالا، حمایتی، نظارتی، درون‌زا و برون‌زا	توسعه اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی، توسعه پایدار، عدالت، توانمندسازی، اشتغال‌آفرینی، توزیع و بازتوزیع، وفاداری، توسعه اجتماع محلی	جغرافیا
جوامع محلی، زنان، دولت، نهادهای اجتماعی	گرایش‌ها، نگرش‌ها، و تعلقات اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، اشتراک‌گذاری منابع و اطلاعات، اعتماد، همکاری، شناخت ارزش‌های بومی، همبستگی و انسجام، تعلق اجتماعی، اعتماد	محدودیت‌های اجتماعی، هنجاری و فرهنگی، انزوا و وابستگی، تعارض منافع، عدم منتفع شدن گروه اندکی از ذی‌نفعان، حاشیه‌رانده شدن اکثریت، ناهمگونی اجتماعی، تمرکز	نقش‌گرایی، حمایتی، تعاملی، شبکه‌ای، نهادگرایی، ساخت‌گرایی	کاهش فقر جنسیتی، بهزیستی (رضایت، خوشحالی، خودباوری، امیدبه‌زندگی)، بهبود وضعیت اقتصادی و درآمدی، توسعه پایدار، تنوع‌بخشی، سرمایه‌اجتماعی	علوم اجتماعی

ادامه جدول ۲. دسته‌بندی کدهای محتوایی مقالات بررسی شده

منابع	عوامل تاثیرگذار	موانع	رویکرد	هدف	زمینه
گردشگران، کسب‌وکارها، سازمان‌های مسئول	ارتباط مستقیم، خلاقیت	نارضایتی، کنار گذاشتن یا نادیده گرفتن مردم	هم‌آفرینی، نوآورانه، حمایتی، ترغیبی	سفرashi سازی، توسعه بازار، بازتولید یا پیکربندی مجدد بازار	مدیریت
گردشگران، سازمان‌ها، مسئولان	شناسایی نیازها و علایق متقاضیان	محدودیت ساختاری و هنجاری	تعاملی	غلبه بر چالش‌های توسعه گردشگری ورزشی، تدوین استراتژی	علوم ورزشی

منبع: نویسندگان

### مشارکت در گردشگری از دیدگاه علوم محیطی

مشارکت در گردشگری در علوم محیطی بازتابی از حفاظت از ذخایر و منابع طبیعی همچون تالاب و جنگل می‌باشد. از این رو، عمدتاً بر شناسایی عوامل موثر بر مشارکت یا بر موانع بسیج مشارکت مردمی تأکید داشته‌اند زیرا مطابق با آموزه‌های جهانی، برنامه‌ریزی و مدیریت مشارکتی ابزاری برای تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی توسعه پایدار منابع طبیعی است (محمدرضایی، ۱۳۸۱). این گروه از پژوهش‌ها براین باورند که حفاظت و احیای منابع طبیعی بر پایه رویکردهای کلاسیک چندان اثربخش نبوده و باید نقش ذی‌نفعان شناسایی گردد.

بر مبنای نتایج مطالعات محیطی سطوح پایین احساس تعلق و آگاهی، ضعف مسئولان، عملکرد ضعیف تشکل‌های مدنی و در برخی موارد خلاء این تشکل‌ها، تضاد منافع ذی‌نفعان و مشکلات معیشتی، عمده موانع تحقیق‌الگوی مشارکتی می‌باشند (محمدرضایی، ۱۳۸۱؛ کلاهی و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین، در پی ترغیب انگیزه‌های ذی‌نفعان برآمده تا از نقش مشورتی و مداخله‌ای آن‌ها بهره‌گیرند.

دیدگاه محیطی مشارکت قائل به طیفی است که با حضور گسترده ذی‌نفعان از جمله گردشگران معنا می‌یابد. این دیدگاه طالب رفتار مشارکتی فعال گردشگران در حفاظت از منابع طبیعی است که ترغیب رفتارهای مشارکتی در آن‌ها، نیازمند هنجارسازی و جهت‌دهی نگرشی است (لطیفی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۱). اما در دو سوی اصلی طیف مردم و مسئولان به عنوان ذی‌نفعان همیشه حاضر قرار دارند؛ از این رو، این

دیدگاه به برقراری ارتباط بین آنها توجه داشته که باید با اعتمادسازی در حفاظت از منابع طبیعی به عنوان منابع گردشگری طبیعت محور، هماهنگ و یکپارچه وارد عمل شوند (اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۹۰). آنچه که از پژوهش‌های محیطی بر می‌آید تمرکز بیشتر بر مردم محلی است، لذا ظرفیت‌سازی و توانمندسازی به وفور در اهداف این گروه از مطالعات مشاهده می‌شوند. آن‌گونه که پیداست این گروه از پژوهش‌ها در جستجوی مناسب‌ترین رویکرد برنامه‌ریزی، تحت تاثیر رویکرد توسعه پایدار در اندیشه گذر از الگوهای سنتی برنامه‌ریزی و مدیریت به رویکرد مشارکتی و اجتماع محور می‌باشند که برخاسته از تعامل و همکاری تمام ذی‌نفعان و بهره‌برداران منابع طبیعی است. تلاقی منابع طبیعی با گردشگری در این مطالعات حاکی از توسعه گردشگری به عنوان فعالیتی است که به معیشت پایدار جوامع محلی یاری می‌رساند.

### مشارکت در مطالعات گردشگری

بدیهی‌ترین نگاه در مطالعات گردشگری به پدیده مشارکت، دید توسعه‌ای است که در پی توسعه بازار گردشگری و ارزش‌آفرینی اقتصادی به بررسی تاثیرگذاری زمینه‌ها و عوامل جامعه‌شناختی می‌پردازد. در قالب چنین تاثیری، مشارکت ذی‌نفعان گردشگری با ایجاد مشوق‌های مالی و غیرمالی و سازوکارهای نظام‌مند ترغیب و تسهیل شده و یا به سرعت بخشی آن کمک می‌نماید.

غایت این مشوق‌ها انتظار شکل‌گیری فرهنگ مشارکتی و مسئولیت‌پذیری در زنجیره تامین گردشگری است. همچنین، در نگاه توسعه‌ای به پدیده مشارکت، تأکید بر طراحی و تولید محصول و نوآوری با مشارکت ذی‌نفعان طرف تقاضا یعنی گردشگران برای پویایی کسب‌وکارهای مرتبط در یک محیط تعاملی و ارتباطی است که به کشف و شناسایی نیازها و تقاضاهای گردشگران منتهی گردد (شافعی و همکاران، ۱۴۰۰). این مسأله یکی از اخیرترین روندهای صنعت گردشگری در ارائه خدمات یعنی سفارشی‌سازی محصولات مطابق با علایق گردشگران را برجسته می‌سازد. به‌طورکلی، این دیدگاه فرایندی را مطرح می‌کند که بر یادگیری مشارکتی شامل با هم کار کردن، با هم ساختن و با هم توسعه دادن تأکید دارد (احمدی‌زاد و همکاران، ۱۴۰۰).

علاوه بر این، مشارکت در مطالعات گردشگری با طرح مفاهیمی همچون رفتارهای مسئولانه، آگاهی و تغییر نگرش‌ها در بسیاری از موارد با توسعه پایدار تلاقی می‌یابد که در تحقق پایداری و خلق مزیت رقابتی برای کسب‌وکارها و مقاصد گردشگری در تلاش برای کنار زدن روش‌های سنتی و جایگزینی آن با روش‌های مشارکتی است؛ زیرا در قالب‌های سنتی با کنار گذاشته شدن اکثر ذی‌نفعان از فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نمی‌توان انتظار تحقق کیفیت و پایداری را داشت. به دلیل مداخله دیدگاه‌های پایداری در این بعد از پژوهش‌ها، مشارکت در پی توانمندسازی، سهیم و منتفع نمودن تمام ذی‌نفعان است تا نه تنها به ایجاد جریان اعتمادسازی بلکه باروری سرمایه اجتماعی، گردشگری خلاق، کاهش تاثیرات منفی گردشگری و توسعه اجتماع محلی کمک نمایند. محوریت توسعه گردشگری اجتماع‌محور، این گروه از مطالعات را به شناسایی موانع مشارکت یا مولفه‌های موثر بر ارتقای مشارکت سوق داده است؛ در مطالعات گردشگری، توزیع نابرابر منافع گردشگری یکی از مهم‌ترین موانع مشارکت تلقی شده است. لازم به اشاره است که این گروه از مطالعات، در بین طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان بر گردشگران و جامعه محلی تأکید دارند.

### مشارکت در گردشگری از دیدگاه علوم جغرافیایی

دیدگاه جغرافیایی مشارکت را هم ابزار و هم هدف توسعه گردشگری می‌پندارد که در آن توسعه اجتماعی و اقتصادی گردشگری بدون مشارکت ذی‌نفعان حاصل نخواهد شد. این گروه از مطالعات پیامدهای مثبت گردشگری را انگیزبخش مشارکت ساکنان محلی در توسعه گردشگری می‌دانند. همچنین، نظر بر میان‌رشته‌ای بودن علوم جغرافیایی و پیوند آن با مباحث توسعه پایدار، پرواضح است توسعه پایدار در این گروه از مطالعات جایگاه ویژه‌ای دارد. از این‌رو، بحث مشارکت در توسعه گردشگری بیشتر با هدف توسعه پایدار گردشگری بررسی شده که در تحقق آن توزیع برابر و رفع موانع اقتصادی و اجتماعی مورد تأکید است. در این خصوص، عدم پذیرش جامعه محلی و مقاومت در برابر توسعه گردشگری رکود در پی خواهد داشت. در نتیجه، همانند مطالعات گردشگری، در دیدگاه علوم جغرافیایی محوریت با توسعه گردشگری اجتماع‌محور است که نیازمند شناسایی ظرفیت‌های محلی، توانمندسازی و چرخش از برنامه‌ریزی متمرکز به رویکرد پایین‌به‌بالا است تا حداکثر منافع را برای جامعه محلی به ارمغان آورد.

مطالعات جغرافیایی در گردشگری اجتماع محور و مشارکت مردم محلی بر ضعف‌های ساختاری نیز تأکید داشته‌اند که اساساً در مواجهه با این ضعف‌ها نقش دولت برجسته است؛ دولت باید با نقش نظارتی و حمایتی وارد عمل شده و ضمن رفع موانع قانونی و اداری، جامعه محلی را در فائق آمدن بر چالش‌هایی همچون کمبود سرمایه و ضعف آگاهی یاری رساند (غنیان و هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۵؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۵). همچنین، نتایج این گروه از مطالعات نشان می‌دهد که توسعه گردشگری در جوامع محلی نیازمند مشارکت درون‌زا و برون‌زا است که با توجه به ساختار رانتیری کشور، دولت و نهادهای مرتبط را نمی‌توان کنار گذاشت (کازمی و همکاران، ۲۰۲۲). همانطور که دولت نباید مردم محلی را در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی گردشگری نادیده گیرد (تولایی و همکاران، ۱۳۹۶). هرچند تمایل به مشارکت از سوی مردم محلی در مطالعات جغرافیایی تأیید شده اما الگوی مشارکت غیرفعال و حاکی از نقش اندک جامعه است که چندان در راستای اهداف پایداری نیز جهت‌گیری نشده است (تولایی و همکاران، ۱۳۹۶). این مسأله در مطالعات مرتبط غفلت از جامعه محلی در صنعت گردشگری را خلاء اصلی دستیابی به توسعه پایدار گردشگری می‌داند.

به باور این گروه از مطالعات، توسعه گردشگری در کشور سازوکار مشارکتی ندارد. همچنین، نتایج پژوهش‌های جغرافیایی هرچند نافی تأثیرات متغیرهای اجتماعی و محیط‌زیستی نیست اما تأییدکننده تأثیرگذاری بیشتر متغیرهای اقتصادی است؛ لذا انتظار مشارکت ذی‌نفعان محلی در توسعه گردشگری بدون منتفع شدن آنان از نتایج اقتصادی و مالی و اشتغال‌آفرینی برای آنان دور از واقع خواهد بود. نکته دیگر تأکید بر مفاهیم جغرافیایی است؛ از جمله حس تعلق مکانی که نشان‌دهنده رابطه دوسویه آن با مشارکت در توسعه گردشگری است؛ یعنی نه تنها مشارکت در افراد دارای حس تعلق مکانی بیشتر بوده بلکه مشارکت نیز تقویت‌کننده این حس است (فلاحی و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین، توسعه فعالیت‌های گردشگری در صورت منتفع شدن مردم محلی، حس تعلق مکانی آنان را افزایش خواهد داد.

در جریان منتفع شدن مردم بر بهره‌گیری از توان‌های محیطی مقاصد و طراحی راهبردهای مشارکتی مبتنی بر این توان‌ها تأکید شده است. هرچند در بین ذی‌نفعان صنعت گردشگری، مطالعات جغرافیایی بر دولت و مردم محلی تمرکز بیشتری داشته‌اند اما تأکید اندک بر مشارکت گردشگران نیز مشاهده می‌شود؛ لذت



سفر و اهمیت آن برای بخش تقاضا سبب مشارکت بیشتر در سفر شده و این مشارکت سبب آگاهی از تصویر و ارزش برند در اذهان گردشگران و در بهینه‌ترین حالت سبب وفاداری آنان خواهد شد.

### مشارکت در گردشگری از دیدگاه علوم اجتماعی

مشارکت در ارتباط با گردشگری در این گروه از پژوهش‌ها با تأکید بر نقش‌گرایی افراد در جامعه بررسی شده است. از جمله تمرکز بر مسأله جنسیت به عنوان یکی از مسائل مطرح در جوامع محلی، در تلاش برای افزایش مشارکت و مداخله زنان در فعالیتهای اقتصادی است تا در کنار کاهش فقر جنسیتی به بهزیستی زنان نیز یاری رساند. این مطالعات، مشارکت زنان در گردشگری را سبب بهبود وضعیت اقتصادی، درآمدی و بهزیستی (افزایش رضایت از زندگی، کاهش احساس فقر، افزایش حس تعلق، خوشحالی، خودباوری، امید به زندگی) آنان می‌دانند. با این وجود، جامعه محلی به دلیل محدودیت‌های اجتماعی، هنجاری و فرهنگی نتوانسته بهره‌گیری مطلوب و حداکثری از این پدیده داشته باشد. نتیجه آن تقویت چرخه‌ای است که انزوا و وابستگی مالی زنان در جوامع روستایی را تشدید می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶).

علاوه بر مسأله جنسیت و هنجارهای فرهنگی، علوم اجتماعی ادراک ساکنان بومی از ساختارهای فرهنگی و هویتی گردشگری را نیز بررسی نموده تا در چارچوبی ساختارگرایانه براساس درک آنان، میزان مشارکت‌شان را در توسعه پایدار گردشگری تبیین نماید. در یک ساختار مشارکتی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار گردشگری، ادارکات تحت تاثیر گرایش‌ها، نگرش‌ها و تعلقات اجتماعی افراد و بازتابی از ارزش‌ها و سنت‌ها بوده که بر میزان مشارکت تاثیر می‌گذارند. علوم اجتماعی ذی‌نفعان توسعه گردشگری را در یک شبکه همکارانه، تعاملی و مشارکتی تحلیل می‌کند.

تلقی گردشگری به عنوان صنعتی ترکیبی، حاکی از فراهم نمودن محیطی برای شکل‌گیری شبکه‌هاست که با تنوع فعالیت‌ها به تولید محصول و خدمات گردشگری منتهی می‌گردد. در دیدگاه شبکه‌ای انتظار بر افزایش مشارکت و تعامل بین اعضا است تا با ایجاد الگوهای ارتباطی در اشتراک‌گذاری منابع و اطلاعات به تقویت اعتماد و همکاری کمک نمایند. شکل‌گیری سرمایه اجتماعی برای توسعه پایدار گردشگری، نتیجه نهایی این شبکه است.

با توجه به موارد اشاره شده، در مسیر توسعه گردشگری موانع عملیاتی و ساختاری برآمده از طرح‌های بهسازی و نوسازی فضاهای گردشگری با توجه اندک به برنامه‌ریزی مشارکتی و شناخت اندک از ارزش‌ها و دیدگاه‌های مردم محلی، تقویت‌کننده یک بستر مشارکتی برای توسعه گردشگری نمی‌باشند. اساساً طرح‌های ساختاری و عملیاتی نگاه مکانیکی و بولدوزری به پدیده توسعه مقصد دارند که در بهترین حالت سبب منتفع شدن گروه کوچکی از ذی‌نفعان محلی و به حاشیه رانده شدن اکثر آنان در فرایند توسعه مقصد گردشگری می‌شوند. دیدگاه‌های رادیکال حتی حضور و مشارکت جوامع محلی را سبب ناهماهنگی در فرایند توسعه می‌دانند (علاءالدینی و میرزایی، ۱۳۹۴).

در صورت ناهمگونی اجتماعی در مقاصد گردشگری، موانع اجتماعی و فرهنگی به موانع ساختاری و عملیاتی اضافه شده که توسعه مشارکتی مقصد را با دشواری بیشتری مواجه می‌سازند. در یک ساختار اجتماعی ناهمگون، سطح پایین همبستگی و انسجام، کاهش انگیزه و تعلق را در پی خواهد داشت. چنین وضعیتی همکاری گروهی و اعتمادسازی را مختل ساخته و با منتفع شدن گروهی خاص و اندک از منافع اقتصادی گردشگری، مانع از تحقق مشارکت خواهد شد (نजारزاده و نعمت‌اللهی، ۱۳۹۷).

به طور کلی، دیدگاه علوم اجتماعی با تأکید بر نقش‌گرایی و ساختارگرایی در پی ایجاد بستری برای مشارکت در دستیابی به توسعه پایدار و توسعه مقصد گردشگری است که گاه در رفع تعارض‌های ذی‌نفعان این عرصه نیازمند شبکه‌سازی و ایجاد الگوهای ارتباطی است تا به حذف یا حداقل کاهش موانع موجود کمک نماید. علاوه بر این، این دیدگاه با تأکید بر مشارکت، در پی به حداکثر رساندن منافع گردشگری برای گروه گسترده‌تری از افراد، اجتناب از به حاشیه‌راندن شدن جامعه محلی و در نهایت کاهش تمرکزگرایی در توسعه گردشگری است.

### مشارکت در گردشگری از دیدگاه مدیریت و علوم ورزشی

این دو گروه از مطالعات کمترین سهم را در مطالعات مشارکت در گردشگری دارند. با وجود ارتباط تنگاتنگ علوم مدیریتی با گردشگری به‌ویژه در مباحث بازاریابی، برند و توسعه کسب‌وکارهای گردشگری، خلاء رویکرد مشارکتی در مطالعات مرتبط آشکار است. دو مقاله منتشر شده یکی در حیطه مدیریت بازاریابی و دیگری مدیریت دولتی قرار دارد. مشارکت در گردشگری از نگاه بازاریابی در پی

دخال مستقیم مصرف‌کننده گردشگری در سفارشی‌سازی محصولات و خدمات به دلیل پیوستگی تولید و مصرف است. بر مبنای الگوی مشارکت هم‌آفرینانه هدف تولید محصولات و ارائه خدماتی برآمده از ایده گردشگران است تا منتهی به رقابت نوآورانه و در نهایت پیکربندی بازار گردشگری بر پایه خلاقیت و نوآوری شود.

آنچه که می‌توان از بازتولید بازار گردشگری بر مبنای الگوی مشارکتی انتظار داشت، طرح نگاهی متفاوت برای ایده‌یابی است که صرفاً متکی بر نظرسنجی مستقیم از گردشگر و در نظر گرفتن رضایت وی نیست، بلکه ردیابی ایده در سویه مقابل یعنی نارضایتی است که آن را مشارکت پنهان می‌توان نامید (ایرانی و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین، در مدیریت بازاریابی کانون ذی‌نفعان مشارکت در گردشگری، گردشگر به عنوان مصرف‌کننده است. از دیدگاه مدیریت دولتی، مشارکت در پی شناسایی ذی‌نفعان، ارتباط موثر، حمایت و ترغیب آنان و در نهایت بهره‌گیری از آنان در تدوین خط‌مشی‌های گردشگری است تا بدین ترتیب زمینه مشارکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را فراهم نماید. به‌طور کلی، هرچند بازاریابی و خط‌مشی‌گذاری دو حیطه متفاوت از مدیریت می‌باشند اما در مباحث مشارکت در گردشگری هدف هر دو آن‌ها شناسایی و حمایت از گردشگر در توسعه گردشگری است.

حیطه علوم ورزشی در مشارکت گردشگری بسیار نزدیک به علوم مدیریت است. بدین ترتیب که در مطالعات علوم ورزشی نیز محوریت مشارکت با گردشگران است. در بحث مرتبط هدف شناسایی چالش‌های مشارکت در گردشگری ورزشی و ارائه راهکارها می‌باشد؛ چالش‌هایی که فقط ناشی از گردشگر نبوده بلکه به دلیل تاثیرگذاری عوامل زمینه‌ای و ساختاری، باید در خارج از جامعه گردشگران یعنی در بین مسئولان و سازمان‌های مرتبط و ساختارها و هنجارهای زندگی اجتماعی به دنبال آن‌ها گشت. علاوه بر این، توسعه مشارکت در گردشگری ورزشی همچون دیدگاه مدیریت بازاریابی در گروه شناسایی علایق و نیازهای متقاضیان گردشگری ورزشی است؛ و همانند مدیریت دولتی نیازمند تدوین اهداف کلان و استراتژی‌ها با مشارکت گردشگران ورزشی است.

### توسعه مشارکتی گردشگری در ایران

توسعه مشارکتی گردشگری چند هدف عمده با توجه به وضع موجود و شرایط ایران دارد. در بسیاری از

مطالعات، مشارکت در گردشگری آمیخته با مباحث توسعه به‌ویژه توسعه پایدار است. گواه این مطلب چرخش از برنامه‌ریزی متمرکز به رویکرد پایین به بالا در ساختار کشور است که به نظر می‌رسد در پی افزایش پیامدهای منفی گردشگری، تصمیم‌گیران کشور را ناگزیر از توجه به مشارکت ذی‌نفعان مختلف گردشگری نموده است.

مطالعات برای ذی‌نفعان مختلف موانع مشارکتی متفاوتی را برشمرده‌اند؛ برای نمونه جوامع محلی به عنوان تاثیرگذارترین ذی‌نفعان به دلیل سطوح پایین تعلق مکانی و تعلق اجتماعی، مشکلات معیشتی، توزیع نابرابر یا منتفع نشدن از نتایج مالی گردشگری، آگاهی اندک، حمایت اندک سازمان‌های مسئول در سرمایه‌گذاری و ارائه تسهیلات، دخالت ندادن آنان در فرایند برنامه‌ریزی و توجه اندک به ظرفیت‌هایشان تمایل چندانی به مشارکت نشان نمی‌دهند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۵؛ ورمزیاری و همکاران، ۱۴۰۲؛ تقی‌زاده‌فانید و مقنی‌جانسوز، ۱۴۰۱). به عنوان یکی از اهداف توسعه پایدار، طرح مفهوم مشارکت در پژوهش‌های گردشگری در پی گسترش عدالت جنسیتی در ایران نیز بوده است. این گروه از مطالعات بر موانع مشارکت زنان به دلیل هنجارهای رفتاری و ارزشی تأکید داشته که سبب به حاشیه راندن آنان از فعالیت‌های گردشگری می‌گردند (غنیان و هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۵؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۶).

علاوه بر عدالت جنسیتی به عدالت سرزمینی نیز در مطالعات توجه شده است. مقالاتی که به تحلیل مشارکت در مناطق روستایی پرداخته‌اند نشان‌دهنده ضرورت توجه به بعد مکانی مسأله مشارکت در توسعه اقتصاد گردشگری با رویکرد عدالت جغرافیایی هستند که به دلیل کاهش فعالیت بخش کشاورزی، گردشگری به عنوان اقتصاد مکمل یا جایگزین در این مکان‌ها معرفی شده است. چنین به نظر می‌رسد که جوامع روستایی در توسعه مشارکتی گردشگری به حمایت بیشتری نیاز دارند زیرا موانع مشارکت که پیش‌تر اشاره شدند، عمدتاً در جوامع روستایی مشاهده می‌شوند.

روستاییان سهم کمتری از منافع توسعه گردشگری داشته، مداخله هنجارهای فرهنگی در به حاشیه راندن زنان پررنگ‌تر بوده (ورمزیاری و همکاران، ۱۴۰۲) و به دلیل سطوح اقتصادی ضعیف‌تر بیشتر نیازمند مشوق‌ها و حمایت‌های دولتی به‌ویژه تسهیلات مالی هستند. بدین ترتیب، مشارکت در مکان‌های روستایی در تلافی مشارکت درون‌زا و برون‌زا قابل حصول است تا با تکیه بر ظرفیت‌های محلی و حضور

تسهیلگران به توانمندسازی مردم بومی یاری رساند. نهادهای ساختن مشارکت همراه با تفویض قدرت به جامعه محلی به شیوه‌ای که آنان مالک توسعه گردشگری و منافع حاصل از آن باشند، باید جایگزین نگاه ابزاری به مشارکت روستایی در بهره‌برداری از ظرفیت‌ها گردد.

در حالی که در گفتمان مشارکت مردم به عنوان محور اصلی مطرح می‌شوند، تمرکز منابع در دست دولت باعث شده تا مطالعات دولت را به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در توسعه مشارکتی گردشگری معرفی کنند. مطالعات نشان می‌دهند مسئولان به دلیل انگیزه ضعیف، آشنایی و آگاهی اندک از تکنیک‌های مشارکتی استقبال کمی از برنامه‌ریزی مشارکتی نموده‌اند (محمدرضایی، ۱۳۸۱). علاوه‌براین، غلبه الگوی برنامه‌ریزی متمرکز در کشور، منجر به تدوین طرح‌ها و برنامه‌هایی شده است که در آن‌ها جایگاهی برای مشارکت ذی‌نفعان در نظر گرفته نشده است. عدم تعریف نقش‌های تاثیرگذار برای مشارکت مردمی، به تضعیف انگیزه و اعتماد منتهی می‌شود. اهمیت این مسأله از آن روی است که مشارکت عمومی-خصوصی برای موفقیت صنعت گردشگری الزامی است (فرزین و همکاران، ۱۴۰۰) که در یک الگوی متمرکز تحقق نخواهد یافت. در نتیجه، برای کاستن از فاصله میان سطح کلان (دولت) و خرد (مردم) تعریف سطح میانی ذی‌نفعان برای برقراری پیوند میان این دو اهمیت دارد. در سطح میانی ذی‌نفعان می‌توان نهادها و تشکل‌های مردمی را قرار داد که به دلیل موانع قانونی و اداری مشارکت موثری در این زمینه نداشته‌اند (تقی‌زادفانید و مقنی‌جانسوز، ۱۴۰۱؛ غنیان و هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۵؛ تولایی و همکاران، ۱۳۹۶). فعال‌سازی این سطح در مشارکت به تمرکززدایی قدرت، توزیع برابرتر و اعتمادسازی بین ذی‌نفعان یاری می‌رساند. این مسأله با توجه به ارتباط ضعیف و ناهماهنگی بین ذی‌نفعان که بخشی از آن به دلیل ساختار کنونی مدیریت کشور است برای گذار از الگوی سنتی به مشارکتی اهمیت بسیار دارد.

صرفنظر از اهداف اجتماعی و فرهنگی، در سال‌های اخیر بر مشارکت اقتصادی در گردشگری نیز تأکید شده است. نگاه اقتصادی به مشارکت که برآمده از مطالعات کسب‌وکارهای گردشگری، مدیریت و علوم ورزشی است، سبب ایجاد مزیت رقابتی و خلق ارزش در زنجیره تامین گردشگری می‌گردد. بدین ترتیب؛ طراحی و تولید محصول گردشگری مستلزم ادراک علل تمایل یا عدم تمایل گردشگران به مشارکت و

درک نیازها، ترجیحات و علایق آنان است. در چنین نگاهی همواره مشارکت مستقیم گردشگر مطرح نبوده بلکه گاه گردشگر با مشارکت غیرمستقیم خود به خلق ارزش یاری می‌رساند.

در نهایت، توجه به جریان‌های اطلاعاتی، توسعه فناوری‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی آنلاین اهمیت بسیار دارد. اهمیت این مسأله به دلیل سطح پایین آگاهی به عنوان یکی از موانع مشارکت است. می‌توان از فناوری‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای ایجاد شبکه تعاملی بین ذی‌نفعان بهره برد. چنین به نظر می‌رسد که دو دهه چرخه باطل عدم تحقق برنامه‌ریزی مشارکتی بر بسترها و ابزارهای سنتی آموزش را باید کنار زد و از ظرفیت‌های نوین بهره برد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آن که یکی از مهم‌ترین دلایل سطوح پایین مشارکت در گردشگری و عدم تحقق الگوی مشارکتی، ساختار کنونی نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کشور است و پژوهش‌های مرتبط به وفور به این مسأله اشاره نموده‌اند، ضرورت تمرکززدایی از ساختار برنامه‌ریزی کشور یک اقدام سریع است. هرچند در سال‌های اخیر در فرایند برنامه‌های توسعه کشور شواهدی از رویکردهای برنامه‌ریزی مشارکتی و پایین‌به‌بالا مشاهده می‌شود اما این موضوع در عمل سطح تحقق اندکی داشته است. همچنین، ارتباط دوسویه حس تعلق مکانی و مشارکت مستلزم آن است که از دولتی جلوه دادن منابع طبیعی پرهیز نموده و جلوه عمومی برای منابع ایجاد نمود؛ بدین ترتیب، منابع طبیعی و سرزمینی باید به عنوان منابع عمومی تلقی شوند و مردم محلی به چنین باوری دست یابند.

دولت در ترغیب بهره‌برداران محلی نیازمند اعمال سیاست‌های تشویقی و امتیازات اعتباری است. با توجه به مشکلات معیشتی جوامع محلی، توزیع و بازتوزیع منافع اقتصادی حاصل از گردشگری، منتفع شدن جامعه بومی از اشتغال‌ها و کسب‌وکارهای مرتبط به شیوه‌ای که این گروه کارگران این کسب‌وکارها نباشند، ضروری است. در چنین فرایندی دولت و سازمان‌های دولتی با اعطای تسهیلات و مشوق‌های مالی باید به بازتعریف نقش حمایتی دولت در این زمینه توجه داشته باشند. از سوی دیگر، سطح پایین هماهنگی بین ذی‌نفعان نیازمند استقرار سامانه‌های پشتیبان و اثربخش در این زمینه با مدیریت عمومی -

خصوصی است. علاوه بر موارد گفته شده خلاءهای قانونی همچون قوانین پرداخت تسهیلات به افراد محلی برای سرمایه‌گذاری در گردشگری و قوانین مالیاتی ضروری است.

با توجه به ضرورت تمرکززدایی از ساختار برنامه‌ریزی گردشگری، پژوهشگران آتی باید به تحلیل اسناد توسعه گردشگری پرداخته و سیاست‌ها و ابزارهای قانونی، اداری و مالی را که سبب تمرکزگرایی شده‌اند را استخراج و در اختیار سیاست‌گذاران دولتی قرار دهند. در فرایند برنامه‌ریزی مشارکتی، آموزش و ارتقای آگاهی پرتکرارترین پیشنهاد می‌باشد اما نکته مهم، تمرکز اندک بر فرایند آموزش برنامه‌ریزی مشارکتی در مطالعات موجود است؛ بنابراین، مطابق با مطالعات بین‌المللی، الگوی مشارکت از ارائه اطلاعات و آگاهی و نقش مشورتی آغاز و به توانمندی جوامع محلی منتهی می‌گردد (مارزوکوی و هی، ۲۰۱۳).

همچنین، با توجه به اهمیت تشکل‌های مدنی در ترغیب مشارکت، شناسایی و تحلیل موانع ساختاری این تشکل‌ها و نقشی که می‌توانند در این زمینه ایفا نمایند، پیشنهاد می‌گردد؛ زیرا افراد محلی نیازمند تشکل‌هایی برای ورود به عرصه مشارکتی هستند. علاوه بر این، با توجه به رشد فناوری‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی، مطالعات آتی می‌توانند الگوی مشارکت هم‌آفرینانه گردشگران با بهره‌گیری از فناوری‌های هوشمند را ارائه نمایند.

## منابع

- احمدی‌زاد، آرمان؛ کفچه، پرویز و رستمی، احسان (۱۴۰۰). پیامدهای مشارکت مشتری به منظور خلق محصولات جدید در صنعت گردشگری. *گردشگری و توسعه*، ۱۰(۳)، ۲۴۵-۲۲۹.
- امامی، سیده‌فاطمه؛ دربان‌آستانه، علیرضا؛ رضوانی، محمدرضا؛ قدیری‌معصوم، مجتبی (۱۴۰۰). تبیین نقش مولفه‌های موثر بر توسعه گردشگری اجتماع‌محور (مطالعه موردی: روستاهای استان گیلان). *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۱۰(۳۶)، ۲۷-۱.
- ایرانی، علیرضا؛ فرهنگی، علی‌اکبر؛ مهرگان، محمدرضا و ایرانی، سپیده (۱۳۹۷). ارائه الگوی مشارکت هم‌آفرینانه در بازار گردشگری. *فصلنامه مدیریت بازرگانی*، ۱۰(۴)، ۹۰۴-۸۸۹.
- ایمانی‌خوشخو، محمدحسین و داغستانی، سعید (۱۳۹۸). *برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری*. انتشارات مهکامه، تهران.

- تقی زادفانید، ابوالقاسم و مقنی جانسوز، منیر (۱۴۰۱). بررسی رابطه مشارکت مردم و توسعه گردشگری (مطالعه موردی: کلانشهر تبریز). *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۶ (۸۰)، ۸۳-۹۸.
- تولایی، سیمین؛ سلیمانی، محمد؛ جهانی دولت‌آباد، رحمان و جهانی دولت‌آباد، اسماعیل (۱۳۹۶). نقش مشارکت جوامع محلی در صنعت گردشگری پایدار (مطالعه موردی: سرعین). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۹ (۱)، ۹۵-۱۱۳.
- حیدری، زهرا؛ محمدرضا رضوانی و بدری، سیدعلی (۱۳۹۵). تحلیل عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی محلی در برنامه‌ریزی توسعه گردشگری کشاورزی (مطالعه موردی: نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان تنکابن). *آمایش جغرافیایی فضا*، ۶ (۲۱)، ۱۳-۲۶.
- شارپلی، ریچارد و تلفر، دیوید. (۲۰۰۷). *برنامه‌ریزی توسعه گردشگری در کشورهای در حال توسعه*. ترجمه: حمید ضرغام بروجنی، زهرا نکوئی، نیلوفر عباسپور و مسلم شجاعی. انتشارات مهکامه، تهران.
- شافعی، رضا؛ احمدی‌زاد، آرمان و مولایی، زینب (۱۴۰۰). نقش مشارکت مشتریان در ایجاد ارزش اقتصادی و اجتماعی در اکوسیستم کسب‌وکار گردشگری، مورد مطالعه: مشتریان شرکت‌های فعال حوزه گردشگری. *گردشگری و توسعه*، ۳ (۲۹)، ۱۱۳-۱۲۶.
- ضیایی، محمود و تراب احمدی، مژگان (۱۳۹۲). *شناخت صنعت گردشگری با رویکرد سیستمی*. انتشارات علوم اجتماعی، تهران.
- علاء‌الدینی، پویا و میرزایی، آمنه (۱۳۹۴). توسعه مشارکتی محله فرحزاد تهران به عنوان نفرجگاه و مقصد گردشگری: بستر و موانع. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۵ (۲)، ۲۵۱-۲۶۶.
- غنیان، منصور و هاشمی‌نژاد، آذر (۱۳۹۵). تحلیل انگیزاننده‌های مشارکت در توسعه گردشگری پایدار از دیدگاه ساکنان محلی منطقه حفاظت‌شده دز. *جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)*، ۴۶، ۶۱-۷۸.
- فلاحی، آزاده؛ مدرسی، میثم و زارعی، عظیم (۱۴۰۱). شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین موانع فرهنگی گردشگری اجتماع‌محور در ایران. *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۳۳ (۸۶)، ۸۵-۱۰۲.
- قنادی‌نژاد، فرزانه؛ عصاره، فریده و قانع، محمدرضا (۱۴۰۲). رویکردها و روش‌های پیش‌بینی روند برون‌داده‌های علمی: مطالعه مرور دامنه‌ای. *پژوهش‌نامه علم‌سنجی*، ۹ (۱)، ۳۴۱-۳۸۶.
- کلاهی، مهدی؛ عظیمی‌سقین‌سرا، رقیه و حاتمی‌یزد، ابوذر (۱۴۰۱). ساماندهی تلاب بزنگان از طریق ظرفیت‌سازی و مشارکت اجتماعی، *انسان و محیط‌زیست*، ۶۳، ۷۳-۸۶.
- کاظمی، نسرین؛ فردوسی، سجاد و روغن‌گیرها، پانته‌آ (۱۴۰۳). توسعه مدل گردشگری اجتماع‌محور در ایران: پژوهشی مبتنی بر مرور سیستماتیک و نظریه داده بنیاد، *نشریه گردشگری شهری*، انتشار آنلاین ۲۵ شهریور ۱۴۰۳.



- گان، کلر و گتور، تور (۲۰۰۲). میانی، مفاهیم و روش‌های اجرایی برنامه‌ریزی توسعه جهانگردی. ترجمه: حمید ضرغام بروجنی. (۱۳۹۵). انتشارات مهکامه، تهران.
- لطیفی‌نیا، اکرم؛ ملک‌نیا، رحیم و رحیمیان، مهدی (۱۴۰۱). تحلیل رفتار مشارکتی گردشگران در حفاظت از جنگل براساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده. نشریه محیط‌زیست طبیعی، ۱۵(۳)، ۳۷۲-۳۸۳.
- محمدرضایی، شهریار (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی و مدیریت مشارکتی تالاب انزلی، موانع و راهکارها. محیط‌شناسی، ۲۸، ۷۷-۵۹.
- محمدی، سعدی؛ طلعتی، مرضیه و محمدی، اردکان (۱۳۹۶). سنجش رابطه مشارکت در فعالیت‌های گردشگری با بهزیستی ذهنی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه اورامان). زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱۵(۴)، ۵۹۵-۵۶۹.
- نजारاده، محمد و نعمت‌اللهی، مجید (۱۳۹۷). الگوی ساختاری عوامل موثر بر درک ساکنان بومی نسبت به حمایت از توسعه پایدار گردشگری در مجموعه تخت‌جمشید.. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹(۶۹)، ۶۲-۴۱.
- ورمزیاری، حجت؛ فتحی، مرضیه؛ کلانتری، خلیل و آصف‌شایق، محمد (۱۴۰۲). تحلیل مولفه‌های توسعه گردشگری اجتماع‌محور در مناطق روستایی: مطالعه موردی شهرستانهای مریوان و سروآباد. مطالعات مدیریت گردشگری، ۱۸(۶۲)، ۲۶۸-۲۴۱.

- Badri, S.A., Kazemi, N., Khodadadi, P., Mohammadnejad, A. (2021). Why rural development policies have not contributed to rural development in Iran. *Rural Society*, 30(2-3), 84-100.
- Dragouni, M., Fouseki, K., & Georgantzis, N. (2018). Community participation in heritage tourism planning: is it too much to ask?. *Journal of Sustainable Tourism*, 26(5), 759-781.
- Gutierrez, E. L. M. (2023). Re-examining the participation and empowerment nexus: Applications to community-based tourism. *World Development Perspectives*, 31, 100518.
- Iqbal, A., Ramachandran, S., Siow, M. L., Subramaniam, T., & Afandi, S. H. M. (2022). Meaningful community participation for effective development of sustainable tourism: Bibliometric analysis towards a quintuple helix model. *Journal of Outdoor Recreation and Tourism*, 39, 100523.
- Islam, M.R. (2021). Community-Based Rural Tourism Development: A Conceptual Framework for Bangladesh. *Journal of Sales, Service and Marketing Research* 2(1), 1-7.
- Jamal, T., Borges, M., Figueiredo, R. (2004). Systems-Based Modeling for Participatory Tourism Planning and Destination Management. *Tourism Analysis*, 9(13), 77-89.
- Jamal, T & Stronza, A. (2009). Collaboration theory and tourism practice in protected areas: stakeholders, structuring, and sustainability. *Journal of Sustainable Tourism*, 17(2), 169-189.
- Joshi, S., Panzer-Krause, S., Zerbe, S., & Saurwein, M. (2021). Rural tourism in Europe from a landscape perspective: A systematic review. *European Journal of Tourism Research*, 36, 3616-3616.

- Kala, D., & Bagri, S. C. (2018). Barriers to local community participation in tourism development: Evidence from mountainous state Uttarakhand, India. *Tourism: An International Interdisciplinary Journal*, 66(3), 318-333.
- Kazemi, N., Badri, S. A., Adinehvand, E., & Rostami, K. (2022). Teenagers' risk perception and awareness in the context of cultural bias and prior earthquake event in Iran. *SN Social Sciences*, 2(12), 259.
- Marzouki, M., Froger, G., & Ballet, J. (2012). Ecotourism versus mass tourism. A comparison of environmental impacts based on ecological footprint analysis. *Sustainability*, 4(1), 123-140.
- Marzuki, A., & Hay, I. (2013). Towards a public participation framework in tourism planning. *Tourism Planning & Development*, 10(4), 494-512.
- Mierdhani, M. I. R. ., Dewi, L. . ., & Mularsari, A. (2022). Community Participation in Recovering Cultural Tourism in Betawi Cultural Village Setu Babakan. *International journal of economics, management, business and social science*, 2(2), 282-291.
- Mustapha, N. A., & Azman, I. (2013). Barriers to community participation in tourism development in island destinations. *Journal of Tourism, Hospitality & Culinary Arts (JTHCA)*, 5(1), 102-124.
- Petrova, P & Hristov, D. (2016). Collaborative Management and Planning of Urban Heritage Tourism: Public Sector Perspective. *Tourism Research*, 18 (1), 1-9.
- Prabhakaran, S., Nair, V. & Ramachandran, S. (2014). Community Participation in Rural Tourism: Towards a Conceptual Framework. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 14, 290-295.
- Shani, A., & Pizam, A. (2011). Community participation in tourism planning and development. *Handbook of tourism and quality-of-life research: Enhancing the lives of tourists and residents of host communities*, 547-564.
- Thang, N. D., & Thanh, N. N. (2023). The Relationship Between Awareness and Commitment to Participate in the Green Tourism Model of Local Communities: Evidence from the Hmong People Community in Lao Cai Province. *Vietnam. International Journal of Professional Business Review*, 8(6), 1-30.
- Tosun, C., & Timothy, D. J. (2001). Shortcomings in planning approaches to tourism development in developing countries: the case of Turkey. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 13(7), 352-359.
- Vogt, C., Jordan, E., Grewe, N & Kruger, L. (2016). Collaborative tourism planning and subjective well-being in a small island destination. *Journal of Destination Marketing & Management*. 5(1), 36-43.
- Wondirad, A., & Ewnetu, B. (2019). Community participation in tourism development as a tool to foster sustainable land and resource use practices in a national park milieu. *Land use policy*, 88, 104155.